

نقش سبک‌های حل تعارض والدین و سازگاری اجتماعی و شیوه‌های حل مسأله اجتماعی فرزندان

محمد علی یزدان پناه*، اصغر حضرتی وبری**، ستار کیانی***، مسعود اشرف آبادی****

طرح مسأله: تعارضات والدین و نحوه حل آن‌ها نقش عمده‌ای در شکل‌گیری رفتارهای نامناسب اجتماعی در فرزندان دارد. سازگاری اجتماعی و حل مسأله اجتماعی از جمله این رفتارها هستند که در این مقاله موضوع بررسی و بحث قرار گرفته‌اند. **روش:** به منظور بررسی تأثیر سبک‌های حل تعارض والدین بر دو رفتار یاد شده ۳۰۰ نفر از دانشجویان سال‌های اول و دوم کارشناسی دانشگاه علامه طباطبایی و تهران انتخاب شدند. ابزار پژوهش عبارت بود از پرسش‌نامه‌های سبک‌های حل تعارض والدین، حل مسأله اجتماعی و سازگاری اجتماعی. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش هم‌بستگی پیرسون و رگرسیون انجام گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که سبک‌های حل تعارض والدین، سبک‌های حل مسأله و سازگاری فرزندان ($R^2=0/118$) را پیش‌بینی می‌کند. **بحث:** یافته‌ها تأیید می‌کنند که سبک‌های مثبت حل تعارض در والدین با برخورد مؤثر فرزندان با مسائل اجتماعی رابطه دارند. در مقابل سبک‌های منفی حل تعارض با برخورد نامؤثر با مسائل اجتماعی در فرزندان و ناسازگاری آنان ارتباط دارند. این نتایج همسو با پژوهش‌های پیشین و مفروضات نظریه شناختی اجتماعی یادگیری نقش رفتارهای والدین در رفتارهای اجتماعی فرزندان را تأیید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های حل تعارض، سازگاری اجتماعی، حل مسأله اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۱۷

* دانشجوی کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد واحد ساوه.

** کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی. <hazrati_a@yahoo.com> (نویسنده مسئول)

*** دانشجوی کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

مقدمه

خانواده به‌عنوان نخستین محیط اجتماعی که کودک در آن قدم می‌گذارد، نقش اساسی در پدیدآیی ویژگی‌های فردی و اجتماعی وی دارد. در این میان نقش محوری پدر و مادر در شکل‌گیری این خصوصیات غیرقابل انکار است. اما چگونگی این تأثیرگذاری نیاز به پژوهش عمیق و گسترده پیرامون روابط والدین با یکدیگر و فرزندانشان دارد. پژوهش‌های مختلف تأثیرپذیری انواع رفتارهای فرزندان از تعاملات و ارتباطات میان پدر و مادر را صحنه گذاشته‌اند. روابط نامناسب والدین موجب شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی نامناسب ناخواسته‌ای در نوجوانان می‌گردد که سهم عمده‌ای در چگونگی روابط آنان با دوستان و همسالانشان و به‌طور کلی نحوه پاسخ‌های آنان به موقعیت‌های مختلف اجتماعی خواهد داشت. دو موضوع عمده در این زمینه عبارت‌اند از حل مسأله اجتماعی و سازگاری اجتماعی نوجوانان. ما نقش تعارضات مابین والدین را در شکل‌گیری این رفتارها مورد بررسی قرار داده‌ایم:

تحقیقات گذشته تعارضات بین فردی را مخرب دانسته و کاهش این تعارضات را به‌عنوان روشی مدیریتی مد نظر قرار داده‌اند. اما اخیراً رویکردهای حل مسأله به تعارضات بین فردی، شیوه‌هایی چون توافق بیشتر، توازن قدرت، رویکردهای خلاق به حل مسأله و تسهیل تغییرات را مدنظر قرار داده‌اند (مک فارلند، ۱۹۹۲) گاتمن و کرورکوف (۱۹۸۹) در زمینه سبک‌های حل تعارض مدلی ارائه کرده‌اند که چهار سبک را شامل می‌شود: ۱- حل مسأله مثبت^۱ ۲- پرخاش در تعارضات^۲ ۳- کنار کشنده^۳ و ۴- انطباقی^۴. حل مسأله مثبت و پرخاش در تعارضات نمایانگر رفتارهای «پیکاری»^۵ هستند. در مقابل رویکردهای کنار کشنده و انطباقی نمایانگر رفتارهای «گریزی» هستند.

حل مثبت مسأله رفتارهایی را شامل می‌شود که تلاش برای متمرکز شدن بر موضوع مناقشه را دربرمی‌گیرد. سبک حل مسأله مثبت دربرگیرنده مجموعه‌ای از پاسخ‌های روشن،

1- positive problem solving 2- conflict engagement 3- withdrawal 4- compliance 5- fighting

سازنده و غیراجباری است که با هدف درگیر شدن همسر در یک گفت‌وگو در ارتباط با موضوعات تعارض صورت می‌گیرد (متز، سیمون روسر و استراپیکو، ۱۹۹۴). پرخاش در تعارضات دربردارنده رفتارهایی است که اغلب حالت ناگهانی داشته و عکس‌العمل‌های عاطفی خارج از کنترل را در بر می‌گیرند. این سبک تعارض را در شکل منفی نشان می‌دهد که می‌تواند متشکل از درگیری‌های کلامی یا فیزیکی باشد که باهدف تحمیل انطباق یا کناره‌گیری انجام می‌شوند (کوردک، ۱۹۹۱؛ متز و دیگران، ۱۹۹۴). کناره‌گیری مشتمل بر رفتارهایی مثل خفه شدن و رد هرگونه صحبت اضافی است. این سبک بیشتر با گریز یا اجتناب از موقعیت مسأله ساز از طریق پرهیز از تعارض، خاموش ماندن و دور شدن از همسر است (گاتمن و کروکوف، ۱۹۸۹؛ کوردک، ۱۹۹۱). انطباق مشتمل بر رفتارهایی است که در آن فرد به نظر می‌رسد تلاش کمی برای اظهار نظرات خود پیرامون مسأله دارد. این سبک مشتمل بر رفتارهای اجتنابی است که به صورت مصالحه و پذیرفتن خواسته‌های طرف مقابل است. (متز و دیگران، ۱۹۹۴)

فرد در جامعه همیشه در پی کسب حرمت و یافتن جایگاه و نقش اساسی خود است. در صورت تحقق چنین امری سازگاری اجتماعی برای فرد رخ خواهد داد. عوامل و موانعی وجود دارند که مسیر سازگاری اجتماعی را مسدود می‌سازند که بی‌تردید عوامل منفی ناشی از خانواده در رده نخست قرار دارند. در خانواده‌هایی که اشکال رفتارهای اجتماعی در آن‌ها نامناسب باشد، فرزندان ناسازگاری پرورش می‌یابند و اگر این کودکان حتی در محیط خارج از خانه و در میان دوستانشان بتوانند با تحرک خود تا مراحل با دیگران سازگاری نشان دهند، احتمالاً هنوز در بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی ناسازگاری خواهند داشت. (یاووزار، ۱۳۸۲)

پارکر و آشر (۱۹۹۳) سازگاری اجتماعی را توانایی برقراری ارتباط با دیگران در مسائل اجتماعی به طور که با ارزش‌ها و شرایط اجتماعی هماهنگ باشد دانسته‌اند. رابطه تعارضات میان والدین با سازگاری فرزندان بستگی به نوع حل تعارضی دارد که والدین

استفاده می‌کنند. درحالی‌که استفاده والدین از رویکرد پرخاشگری یا اجتناب از تعارض در حل تعارضات به بسیاری از پیامدهای منفی در کودکان ارتباط داشت، استفاده والدین از مذاکره و مصالحه با آثار مثبت‌تری در سازگاری فرزندان در ارتباط است (دادز، اتکینسون، ترنر، بلومز، و لندیچ، ۱۹۹۹).

برانچی، ون دورن، وندر والک و میوز (۲۰۰۹) نقش سبک‌های حل تعارض والدین را در سازگاری اجتماعی نوجوانان بررسی کردند. براساس نتایج آنان سبک پرخاش در تعارضات و کناره‌گیری نقش عمده‌ای در مشکلات رفتاری و ناسازگاری نوجوانا ایفا می‌کند. از طرف دیگر سبک حل مثبت مسأله، به‌عنوان روش مناسب حل مسائل سازگاری بیشتر در فرزندان را پیش‌بینی می‌کند (تاکر، مک هیل و کروتر، ۲۰۰۳). شولدلیچ و کامینگز (۲۰۰۷) در بررسی خود نشان دادند که کاهش احساس امنیت در خانواده به‌عنوان مکانیزمی عمل می‌کند که از طریق آن برخی سبک‌های تعارض منفی، سازگاری فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین تأثیر زیان بار سبک‌های منفی حل تعارض بر ناسازگاری کودکان توسط کامینگز و دیویس (۲۰۰۲) نشان داده شده است.

سیفرت و شوارز (۲۰۱۱) نیز نشان دادند که رفتارهای ناسازگارانه فرزندان در رابطه سبک‌های منفی حل تعارض و درون‌سپاری و برون‌سپاری مسائل به‌عنوان متغیر میانجی عمل می‌کند. نتایج کار آنان دلایلی ارائه داده است که سبک‌های حل تعارض ناسازگاری اجتماعی فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. سیف (۱۳۸۹) حل مسأله را به صورت تشخیص و کاربرد دانش و مهارتهایی که منجر به پاسخ درست یادگیرنده به موقعیت یا رسیدن او به هدف مورد نظرش می‌شود تعریف کرده است. مسأله‌ها اغلب در دو شکل کامل تعریف شده و ناقص تعریف شده هستند که در مسائل اجتماعی شکل دوم آن بیشتر مد نظر است. پیداست که مهارت‌های حل مسأله اکتسابی هستند و می‌توان گفت که حداقل بخشی از آن در خانواده و از راه مشاهده نحوه پاسخ‌دهی والدین به مسائل حاصل می‌شود. از این رو تأثیر رفتارهای والدین را در هنگام مواجهه با مسائل می‌توان مورد بررسی قرار داد.

دی زوریلا، نزو، و مایدو- الیورس (۲۰۰۲) الگویی برای حل مسأله اجتماعی ارائه داده‌اند که مشتمل بر پنج بخش می‌باشد. این الگو دو جهت‌گیری اصلی مثبت و منفی و سه سبک مختلف حل مسأله شامل حل مسأله منطقی، تکانشی/بی‌توجهی و اجتنابی را دربرمی‌گیرد. جهت‌گیری مثبت مسأله مشتمل است بر گرایش عمومی به الف) ارزیابی یک مسأله به‌عنوان یک «چالش» (برای مثال فرصت برای بهره‌مند شدن یا کسب کردن)، ب) اعتقاد به اینکه مسأله‌ها قابل حل هستند و ج) اعتقاد به توانایی فردی در حل موفق مسائل است. در مقابل جهت‌گیری منفی مسأله در بردارنده تمایل کلی به الف) نگاه به مسأله به‌عنوان خطری نسبت به آسایش فرد، ب) شک نسبت به توانایی فردی در حل موفق مسائل، و ج) به آسانی مأیوس و آزرده شدن در هنگام مواجهه با مسائل زندگی. از سوی دیگر حل منطقی مسأله به‌عنوان کاربرد عقلانی، آگاهانه و نظام‌مند مهارت‌های مؤثر حل مسأله است. سبک تکانشی/بی‌توجهی با تلاش فعالانه برای راهبردها و تکنیک‌های حل مسأله همراه است، اما این تلاش‌ها کوتاه‌بینانه، تکانشی، بدون دقت، عجولانه و ناقص می‌باشد. درنهایت سبک اجتنابی با ویژگی‌هایی چون طفره رفتن، منفعلانه رفتار کردن یا عمل نکردن، و وابستگی مشخص می‌شود. (دی زوریلا، مایدو- الیورس، و کلاردو- پاچول، ۲۰۱۱).

تحقیقات نشان داده‌اند که سبک‌های حل تعارض والدین و همچنین سازگاری اجتماعی فرزندان با رفتار حل مسأله اجتماعی آنان در ارتباط می‌باشد. برای مثال نتایج پژوهش مخبری (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که توانایی حل مسأله اجتماعی، سازگاری اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین ویتسد- منسل، برادلی، مک کفوی، و فوسل (۲۰۰۹) نشان دادند که سبک‌های حل تعارض والدین با مشکلات رفتاری فرزندان و برخورد آنان با مسائل اجتماعی تأثیرگذار است. حل مثبت تعارض با روش‌های مثبت حل مسأله و سبک‌های منفی حل تعارض با حل مسأله اجتماعی منفی در ارتباط بودند. شواهد دیگر (لو، ویشن، مک دویت، و والش، ۲۰۱۱) نشان می‌دهند که متارکه والدین هرچند برای مدت کوتاه، و نوع رفتارهای والدین در حل تعارضاتشان سبب ایجاد مشکلاتی در حل

مسأله اجتماعی فرزندان می‌گردد. همچنین نشان می‌دهد که تنها، رفتارهای مشکل‌دار مادران در حل مسأله اجتماعی کودکان تأثیرگذار است.

دومان و مارگولین (۲۰۰۷) نشان دادند که برای مادرانی که پرخاشگری بیشتری در روابط خود داشتند، راه‌حل‌های پرخاشگرانه مادران برای موقعیت‌های فرضی با تمایل فرزندان برای انجام رفتارهای پرخاشگرانه در ارتباط بود. یافته‌های گودمن، بارفوت، فرای، و بلی (۱۹۹۹) نیز نشان می‌دهد که رفتارهای حل تعارض منفی مادران با نامؤثر بودن راه‌حل‌ها برای مسائل اجتماعی در ارتباط است. برعکس برای پدران رفتارهای حل مثبت تعارض با حل مؤثر مسائل اجتماعی در ارتباط است.

با توجه به مسأله پژوهش و تحقیقات انجام شده در این زمینه هدف پژوهش حاضر مشخص کردن رابطه میان سبک‌های حل تعارض والدین با سبک‌های حل مسأله و سازگاری فرزندان و در نهایت امکان پیش‌بینی سبک‌های حل مسأله و سازگاری فرزندان براساس سبک‌های حل تعارض والدین است.

روش

تحقیق حاضر از نوع توصیفی و پیمایشی است. روش نمونه‌گیری از نوع داوطلبانه (دلاور، ۱۳۸۹) بود. حجم نمونه براساس فرمول کوکران مشخص شد. نمونه عبارت بود از ۲۹۴ نفر از دانشجویان روزانه سال‌های اول و دوم مقطع کارشناسی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی در رشته علوم سیاسی و حقوق که با میانگین سنی ۱۹٫۶ سال که ۱۵۰ نفر آن پسر و ۱۵۰ نفر دختر بوده‌اند. برای آنکه از کامل بودن نمونه و پرسش‌نامه‌ها اطمینان حاصل گرد تعداد تحقیق بر روی ۳۰۰ نفر نمونه انجام گرفت.

به منظور اجرای پژوهش چهار پرسش‌نامه مجزا در میان اعضای نمونه توزیع و گردآوری گردید: پرسش‌نامه سبک‌های حل تعارض والدین (CRSI) که توسط کوردک (۱۹۹۴) ارائه شده است. این مقیاس متشکل از ۱۶ گویه بوده و شامل چهار زیرمقیاس است که عبارت‌اند از: حل مثبت مسأله، پرخاش در تعارضات، کناره‌گیری، و انطباقی. پایایی

این پرسش‌نامه ۰/۷۸ به دست آمد. همچنین پرسش‌نامه گفت‌وگوی بی‌ثمر (کوردک، ۱۹۹۴) که متشکل از ۸ گویه است مورد استفاده قرار گرفت. پایایی این مقیاس برابر با ۰/۸۶ بود. برای بررسی سبک‌های حل مسأله اجتماعی از مقیاس دی زوریلا و همکاران (۲۰۰۲) استفاده شد. این پرسش‌نامه توسط مخبری (۱۳۸۸) هنجاریابی شده است. فرم کوتاه آن ۲۵ گویه داشته و دو مقیاس برای ارزیابی جهت‌گیری عمده مثبت و منفی و سه مقیاس برای انواع سبک‌های حل مسأله شامل حل مسأله منطقی، تکانشی/بی‌توجهی و اجتنابی را دربر می‌گیرد. پایایی این پرسش‌نامه برابر با ۰/۹۳ بود. به منظور سنجش میزان سازگاری اجتماعی از سؤالات سازگاری اجتماعی پرسش‌نامه سازگاری بل (۱۹۶۱) استفاده گردید که ۳۲ سؤال را در بر می‌گیرد. پایایی این پرسش‌نامه ۰/۸۹ به دست آمد. برای تحلیل داده‌های به دست آمده از تحقیق از روش‌های هم‌بستگی پیرسون و رگرسیون همزمان استفاده گردید که این عملیات با استفاده از ابزار SPSS صورت گرفت.

نتایج

به منظور بررسی روابط میان متغیرها از تحلیل هم‌بستگی پیرسون و جهت بررسی امکان پیش‌بینی حل مسأله اجتماعی و سازگاری اجتماعی از روی سبک‌های حل تعارض والدین از رگرسیون استفاده شد. ضرایب هم‌بستگی میان متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است. در جدول ۲ نیز مدل‌های رگرسیون برای پیش‌بینی روش‌های حل مسأله اجتماعی و سازگاری اجتماعی ارائه شده است. همان‌گونه که در جدول ۲ آمده است، دو سبک حل مثبت مسأله و انطباقی از سبک‌های حل تعارض والدین، جهت‌گیری مثبت حل مسأله را پیش‌بینی می‌کنند. برای پیش‌بینی جهت‌گیری منفی حل مسأله تنها گفت‌وگوی بی‌ثمر والدین معناداری لازم را داراست. حل مسأله عقلانی نیز براساس حل مثبت مسأله در تعارضات والدین قابل پیش‌بینی است. همچنین تنها سبک حل تعارض انطباقی، حل مسأله اجتنابی را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۱- ضرایب همبستگی مربوط به روابط متغیرها در میان دانشجویان

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
									۱	۱. گفتگوی بی ثمر
								۱	°/۲۸	۲. پرخاش در تعارضات
							۱	°°-۰/۳۹	°°-۰/۴۹	۳. حل مثبت مسأله
						۱	°°-۰/۲۳	°°/۳۶	°°/۲۷	۴. کناره گیری
					۱	°°/۲۵	۰/۰۱	۰/۰۸	°/۱۲	۵. انطباقی
				۱	°°-۰/۲۰	۰/۰۱	°/۱۲	۰/۰۳	-۰/۵۰	۶. جهت گیری مثبت
			۱	°°-۰/۴۲	۰/۰۶	۰/۰۶	°°-۰/۱۵	۰/۰۴	°°/۲۱	۷. جهت گیری منفی
		۱	°°-۰/۲۴	°°/۰۵۷	-۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۲	۸. حل مسأله عقلانی
	۱	°°-۰/۴۹	°°/۰۲۴	°°-۰/۵۱	۰/۱۳	-۰/۰۴	-۰/۰۷	-۰/۰۲	۰/۰۴	۹. حل مسأله اجتنابی
۱	°°/۲۹	°°-۰/۳۰	°°/۰۲۱	°°-۰/۳۶	°°/۰۲۰	-۰/۰۱	°-۰/۱۳	°°/۰۱۸	°/۱۳	۱۰. تکانشی / بی توجهی
°°/۱۸	°°/۱۵	°-۰/۱۴	°°/۰۲۲	°°-۰/۲۴	۰/۰۶	۰/۱۰	°°-۰/۲۷	°°/۰۲۰	°°/۳۰	۱۱. ناسازگاری
* معنی دار در سطح ۰/۰۵ ** معنی دار در سطح ۰/۰۱										

جدول ۲- مدل های رگرسیون برای دانشجویان - پیش بینی شیوه های حل مسأله

R ^۲	t	β	SE B	B	
°°°/۰/۰۷۱					جهت گیری مثبت
	۳/۰۳۳	°°/۰/۱۸۳	۰/۰۳۸	۰/۱۱۴	حل مثبت مسأله
	-۴/۴۰۷	°°°-۰/۲۴۳	۰/۰۳۵	-۰/۱۵۴	انطباقی
°°/۰/۰۴۸					جهت گیری منفی
	۳/۰۱۷	°°/۰/۱۷۹	۰/۰۴۲	۰/۱۲۶	گفتگوی بی ثمر
۰/۰۲۸					حل مسأله عقلانی
	۲/۴۹۹	*/۰/۱۵۴	۰/۰۷۶	۰/۱۸۹	حل مثبت مسأله
°/۰/۰۳۲					حل مسأله اجتنابی
	۲/۹۴۹	°°/۰/۱۶۶	۰/۰۸۲	۰/۲۴۲	انطباقی
°°°/۰/۱۱۳					تکانشی / بی توجهی
	۴/۱۶۳	°°/۰/۲۳۷	۰/۰۶۲	۰/۲۵۹	پرخاش در تعارضات
	۵/۲۷۶	°°°/۰/۲۸۴	۰/۰۵۴	۰/۲۸۵	انطباقی
* معنی دار در سطح ۰/۰۵ ** معنی دار در سطح ۰/۰۱ *** معنی دار در سطح ۰/۰۰۱					

جدول ۳- مدل‌های رگرسیون برای دانشجویان - پیش‌بینی سازگاری اجتماعی

R ^۲	t	β	SE B	B	
*** / ۱۱۸					ناسازگاری اجتماعی
	۳/۶۳۵	*** ۰/۲۰۸	۰/۰۵۷	۰/۲۰۹	گفتگوی بی‌ثمر
	-۲/۱۳۴	* -۰/۱۳۶	۰/۱۰۷	-۰/۲۴۷	حل مثبت مسأله
* معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ ** معنی‌دار در سطح ۰/۰۱ *** معنی‌دار در سطح ۰/۰۰۱					

همان گونه که مدل رگرسیون مربوط به پیش‌بینی حل مسأله اجتنابی/تکانشی نشان می‌دهد، دو سبک حل تعارض پرخاش در تعارضات و انطباقی، حل مسأله اجتنابی/تکانشی را در فرزندان پیش‌بینی می‌کنند. در نهایت براساس اطلاعات حاصل از جدول ۳ پیش‌بینی ناسازگاری اجتماعی از طریق سبک حل تعارض حل مثبت مسأله و گفت‌وگوی بی‌ثمر والدین امکان‌پذیر است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش‌های مختلف نقش تعارضات، کشمکش‌ها، متارکه، طلاق، و به طور کلی روابط نامناسب میان والدین را در روابط میان فردی و اجتماعی فرزندان مورد کاوش قرار داده‌اند. پژوهش حاضر به طور ویژه متمرکز بر نقش سبک‌های حل تعارض والدین بر سازگاری اجتماعی و حل مسأله اجتماعی کودکان بود. یافته‌های پژوهش حاضر، به طور جداگانه تأثیر این سبک‌ها را در هر کدام از روش‌های حل مسأله اجتماعی و سازگاری فرزندان مورد تأیید قرار داده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که حل مثبت تعارض توسط والدین با جهت‌گیری مثبت حل مسأله، حل منطقی مسأله، و همچنین سازگاری بیشتر فرزندان در ارتباط است. پژوهش‌های گذشته نتایج مشابهی به دست داده‌اند (ویتسد-منسل و همکاران، ۲۰۰۹؛ گودمن و همکاران، ۱۹۹۹). همچنین براساس یافته‌های به دست آمده سبک‌های منفی حل تعارض، به‌عنوان الگویی منفی در شکل‌گیری رفتارهای ناسازگارانه و روش‌های نامؤثر و منفی حل مسائل اجتماعی در فرزندان عمل می‌کنند که

مطابق با یافته‌های سابق است. (لو و همکاران، ۲۰۱۱؛ سیفرت و شوارز، ۲۰۱۱؛ دومان و مارگولین، ۲۰۰۷؛ کامینگز و دیویس، ۲۰۰۲).

در نظریه شناختی اجتماعی مطرح می‌شود که شخص با مشاهده رفتار افراد دیگر و پاسخ‌های هیجانی آن‌ها به یک موقعیت، چنین رفتارهایی را می‌آموزد (سیف، ۱۳۸۹). اگر این فرض را قبول کنیم، مشاهده تعارض میان والدین و پاسخ‌های خود فرد به موقعیت‌های مشابه می‌تواند براساس این نظریه قابل توجیه باشد. وولفلک در این باره اظهار می‌کند که مشاهده رفتار دیگران به فرد می‌گوید که در یک موقعیت ناآشنا، کدامیک از رفتارهای قبلاً آموخته خود را به کار برد (همان).

یکی از یافته‌های دیگر این تحقیق، نقش جنسیت به‌عنوان عاملی مهم در معناداری روابط میان متغیرهای این پژوهش است. تحلیل داده‌های به دست آمده نشان داد که روابط به دست آمده در دختران، در متغیرهای بیشتری در میان دختران معنی‌دار بود. احتمالاً فرزندان دختر تأثیر بیشتری از روابط والدین دریافت می‌کنند، یا اینکه فرزندان پسر در سنین بالاتر مشکلات ایجاد شده در حل مسائل اجتماعی و سازگاری را جبران می‌کنند. این احتمال نیز وجود دارد که پسران در تکمیل پرسش‌نامه‌ها با سوگیری عمل کرده باشند. دادز، اتکینسون، ترنر، بلومز و لندیچ (۱۹۹۹) نیز شواهدی ارائه داده‌اند که دختران و پسران به طور متفاوتی در معرض تعارضات والدین قرار می‌گیرند و تأثیرات این تعارضات بر این دو گروه متفاوت است. به هر حال پی بردن به علت این تفاوت نیاز به پژوهش‌های بیشتری دارد. پژوهش‌های بیشتر در زمینه تأثیرات سبک‌های حل تعارض والدین بر رفتارهای نامناسب فرزندان می‌تواند اهمیت این موضوع را روشن‌تر سازد.

محدودیت‌ها

این پژوهش بر روی گروه خاصی از افراد جامعه که از قشر تحصیل کرده بوده‌اند صورت گرفته است. بنابراین تعمیم نتایج به گروه‌های دیگر باید با احتیاط صورت گیرد.

همچنین تعداد نمونه در این پژوهش محدود بوده و اجرای آن بر گروه بزرگتری از افراد می‌تواند نتایج دقیق‌تری به بار آورد.

پیشنهادها

با توجه به اینکه تعارضات والدین به میزان متفاوتی بر دختران و پسران تأثیر می‌گذارد لذا توصیه می‌شود در تحقیقات بعدی تأثیر تعارضات والدین در شکل‌گیری الگوهای حل مسأله و سازگاری اجتماعی فرزندان دختر و پسر به صورت مجزا انجام گیرد. تا علاوه بر قوی شدن پیشینه در این زمینه، این تفاوت با دقت بیشتری مورد آزمون قرار گیرد. در این مقاله بار دیگر بر نقش مهم خانواده در شکل‌گیری شخصیت و منش فرزندان مورد تأکید قرار می‌گیرد و نیاز به ارائه آموزش‌های لازم در زمینه فرزند پروری برجسته‌تر می‌شود. لذا مسئولان بایستی با برگزاری کارگاه‌های آموزشی یا از راه رسانه‌ها والدین را نسبت به اهمیت این امر آگاه سازند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- دلاور، علی (۱۳۸۹). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۹). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: دوران.
- مخبري، عادل (۱۳۸۸). هنجاریابی پرسش‌نامه توانایی حل مسئله اجتماعی (SPSI) و نقش آن در تبیین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- یاوزار، هالوگ (۱۳۸۲). ناسازگاری و بزهکاری در کودکان: چگونه با مشکل فرار از خانه و اعمال خلاف کودک مبارزه کنیم؟. ترجمه قدیر گلکاریان. تهران: انتشارات طلایه.
- Branje, S. J. T., van Doorn, M. van der Valk, I., Meeus, W. (2009). Parent-adolescent conflicts, conflict resolution types, and adolescent adjustment. **Journal of Applied Developmental Psychology** 30, 195–204.
- Cummings, E. M., & Davies, P. T. (2002). Effects of marital conflict on children: Recent advances and emerging themes in processoriented research. **Journal of Child Psychology and Psychiatry**, 43, 31–63.
- D’Zurilla, T. J., Maydeu-Olivares, A., Gallardo-Pujol, D. (2011). Predicting social problem solving using personality traits. **Personality and Individual Differences** 50, 142–147.
- D’Zurilla, T. J., Nezu, A. M., & Maydeu-Olivares, A. (2002). The Social Problem-Solving Inventory-Revised (SPSI-R): Technical manual. North Tonawanda, NY: Multi- Health Systems, Inc.
- Dadds, M. R., Atkinson, E. Turner, C., Blums, G. J., Lendich, B. (1999). Family Conflict and Child Adjustment: Evidence for a Cognitive-Contextual Model of Intergenerational Transmission **Journal of Family Psychology**, 13(2), 194-208.
- Duman, S. & Margolin, G. (2007). Parents’ Aggressive Influences and Children’s Aggressive Problem Solutions With Peers. **Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology**, 36(1), 42–55.
- Goodman, S. H., Barfoot, B., Frye, A. A., Belli, A. M. (1999). Dimensions of Marital Conflict and Children's Social Problem-Solving Skills. **Journal of Family Psychology**, 13, (1), 33-4.
- Gottman, J. M., & Krokoff, I. J. (1989). Marital interaction and satisfaction: A longitudinal view. **Journal of Consulting and Clinical psychology**, 57, 47-52.

- Kurdek, L. A. (1991). Correlates of relationship satisfaction in cohabiting gay and lesbian couples: Integration of contextual, investment, and problem solving models. **Journal of Personality and Social Psychology**, 56, 910-922.
- Kurdek, L. A. (1994). Conflict resolution styles in gay, lesbian, heterosexual nonparent, and hetero sexual parent couples. **Journal of Marriage and the Family**, 56,705-722.
- Lue, T., Wishon, P. M., McDevitt, T. M., & Walsh, W. M. (2011). The Relationship Between Marital Discord and Young Children's Social Problem-solving Strategies: The Roles of Modeling and Parenting. **Early Child Development and Care**, 137, 1-19.
- McFarland, W. p. (1992). Counselors teaching peaceful conflict resolution. **Journal of Counseling and Development**, 71, 18-21.
- Metz, M. E., Simon, Rosser, B. R.,& Strapko, N.(1994). Differences in conflict-resolution styles among heterosexual, gay, and lesbian couples. **The Journal of Sex Research**, 31(4), 293-302.
- Parker,J.G.& Asher,S.R.(1993).Friendship and quality in middle childhood: links with group acceptance and loneliness and social dissatisfaction. **Developmental psychology**, 29,611-621.
- Schudlich, T. D. D. & Cummings, E. M. (2007).Parental Dysphoria and Children's Adjustment: Marital Conflict Styles, Children's Emotional Security, and Parenting as Mediators of Risk. **J Abnorm Child Psychol**, 35, 627-639.
- Siffert, A. & Schwarz B. (2011). Parental Conflict Resolution Styles and Children's Adjustment: Children's Appraisals and Emotion Regulation as Mediators. **The Journal of Genetic Psychology: Research and Theory on Human Development**. 172 (1), 21 - 39
- Tucker, C. J., McHale, S. M., & Crouter, A. C. (2003). Conflict resolution: Links with adolescents' family relationships and individual well-being. **Journal of Family Issues**, 24, 715-736.
- Whiteside-Mansell, L., Bradley, R. H., McKelvey, L., Fussell, J. J. (2009). Parenting: Linking Impacts of Interpartner Conflict to Preschool Children's Social Behavior. **Journal of Pediatric Nursing**, 24(5), 389-400.

پرتال جامع علوم انسانی